بنام خدا
یادداشت هفتاد و دوم، نکاتی درباره معماری ایرانی اسلامی

مدتی است، شورای اسلامی شهر مشهد، در اقدامی خوب، جلساتی را برای تحقق معماری ایرانی اسلامی در شهر، در قالب کارگروهی برگزار می کند.
ضمن تشکر از این دغدغه مندی، و اقدام استراتژیک شورا در تغییر ارزش‌های حاکم بر بازار ساخت و ساز، آنهم با رویکرد معماری ایرانی اسلامی، که جای تقدیر و سپاس دارد، نکاتی چند را به عنوان یک پژوهشگر و محقق در حوزه معماری ایرانی اسلامی، و موسس مرکز مطالعات شما، ir.iiua به این عزیزان و افکار عمومی عرض میکنم.
1.معماری ایرانی اسلامی، برآمده از توصیه های دین مبین اسلام است. آنهم همه دین و نه فقط فقه آن. لذا شمولیت نگاه دین و امتداد آن در این حوزه خوب است مدنظر باشد.
2.لهجه و بیان معمارانه این نوع از معماری آشکارا ایرانی است، لذا تفاوتهایی با معماری کشورهای مسلمان دیگر اعم از ترک و عرب و شبه قاره دارد. مراقبت بر ماندن در همین پارادایم اهمیت زایدالوصفی دارد.
3.جنبه ایجابی این نظریه بر جنبه ی سلبی آن تقدم عملیاتی دارد. لذا قبل از هرگونه منع و ممنوعیت و.... ضروری است راههای شکوفایی و نمونه های الهام‌بخش در اختیار جامعه طراحان، آنهم با حفظ شان و خلاقیت معمار قراردادده شود. برگزاری جلسات هم اندیشی با معماران علاقمند می‌تواند به شکل گیری پارادایم موضوع کمک نماید. مسلماً رویدادهای ترویجی پیش نیاز هر اقدامی است وگرنه اقدامات از بالا، عموما به عکس خود بدل میشود.
3.متریال و مصالح در این پارادایم ضمن قرابت تاریخی و نمونه های مسبوق به سابقه، ظاهراً اصالت ندارد. تبعا آجر از پرمصرف‌ترین مصالح طول تاریخ معماری ایران است. و این تصور وابستگی معماری ایرانی اسلامی به آجر، بر همین اساس است. ولی راهبردهای مستخرج از دین مبین اسلام، به مصالح خاصی گره نخورده، و با توجه به فناوری‌های نوین، امکان دست یافتن به معماری ایرانی اسلامی، با خلاقیتهای نوین، امری دست یافتنی به نظر می‌رسد.
4.رهیافتهای دین مقدس اسلام، روشن است. باید مراقب بود در دام تاویلات مستشرقین مانند گنون و شیمل و بورکهارت، که متاسفانه در ادبیات رایج درباره معماری اسلامی، معماری سنتی و... به کرات به آن استناد می‌شود، نیفتیم. تقدس مآبی اعداد مختلف، غیر از چند عدد محدود و خرق عادت و خلق تقدس برای همه اعداد، یا تفلسف هایی که بن مایه دینی ندارد، امروزه علاقمندان و دانشجویان تازه کار را عموما به انحراف می کشاند . این انحراف که اتفاقا مورد اقبال رگه روشنفکری سنت گرای جامعه معماری نیز هست نسبتی با دین و انقلاب اسلامی ندارد. حضور پررنگ معماران بهایی و فرق متنوع صوفیه و... در این نحله نیز به همین خاطر است که تعلقی به گفتمان ائمه اطهار ندارد، تفسیر بردار است و بسیاری از مدعیان آن حتی به بدیهیات شرع و فقه مقدس مانند نماز و... پایبند نیستند ولی در مقام حرافی، ساعتها می‌توانند درباره معماری اسلامی، بر مرکب سخن برانند و تفلسف را به جای حکمت اصیل شیعی به مخاطب قالب کنند. مانند سیدحسین نصر که علقه صوفیه دارد و اهل فرقه مریمیه بشمار می‌رود. این افراد عموما تقیدی به مناسک مسلمانی ندارند و با برداشتی مخلوط و ملتقط و پست مدرنیستی مبتنی بر یافته های شخصی و اصالت اومانیسم در لباس تظاهرات معمول دینی، متاسفانه بشدت فعال هستند.
5.رویکرد دین مبین در قرآن کریم و احادیث رسیده، راهبردی است. و معمولا وارد مصداق و جزئیات نمی‌شود. لذا اصرار بر اسلامی دانستن یا ندانستن برخی تزئینات عموما استناد دقیقی ندارد. و توصیه نمی‌شود.

محمدهادی عرفان. مرکز مطالعات شما
هفتم دیماه 1400.